إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخۡشَىٰهَا ﴿٤٥﴾

كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا ﴿٤٦﴾

جزاين نيست كه توترساننده اى كسى را كه بترسدازوى (٤٥) .

روزيكه ببينند آن را چنانستى كه ايشان درنگ نكرده بودند به دنيا مگريك وقت شام يايك وقت صبحى كه پيش ازآن بود (٤٦) .

سُورَةُ عَبَسَ

سوره عبس مكى است وآن چهل ودوآيت ويك ركوع است

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ﴿١﴾

أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ﴿٢﴾

وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ﴿٣﴾

أَوۡ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ﴿٤﴾

أَمَّا مَنِ ٱسۡتَغۡنَىٰ ﴿٥﴾

فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ﴿٦﴾

وَمَا عَلَيۡكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ﴿٧﴾

وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ﴿٨﴾

وَهُوَ يَخۡشَىٰ ﴿٩﴾

فَأَنتَ عَنۡهُ تَلَهَّىٰ ﴿١٠﴾

بنام خداى بخشاينده مهربان .

روترش كرد واعراض نمود (١) .

بسبب آنكه بيامد پيش اونابينا[١] (٢) .

وچه چيز خبردار كرد تراشايد وى پاك مى شد (٣) .

ياپندمى شنيد پس نفع ميدادش آن پندشنيدن (٤) .

اما كسى كه توانگر ست (٥) .

پس تو بسوى او اقبال مى كنى (٦) .

وزيان نيست برتو درآن كه پاك نه شود (٧) .

واماكسى كه بيامد پيش توشتابان (٨) .

وازخداى خودترسان (٩) .

پس توازوى غفلت ميكنى (١٠) .

(١) نابينائى ازفقراء صحابه بمجلس آنحضرت صلى الله عليه وسلم درآمد وبسوالهاى مكرر تشويش داد وآنحضرت صلى الله عليه وسلم درآنحالت به دعوتِ اشراف عرب مشغول بودند پس آنرا مكروه داشتند واعراض نمودند خداى تعالى برخُلق عظيم دلالت فرمود .

كَلَّآ إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾
نَی نَی، هرآئینه این آیاتِ قرآن پندست (١١) .

فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿١٢﴾
پس هرکه خواهد یاد کند قرآن را (١٢).

فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾
هرآئینه آیاتِ قرآن ثبت است درنامه های گرامی (١٣) .

مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍۭ ﴿١٤﴾
بلند قدرپاك کرده شده (١٤) .

بِأَيْدِى سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾
به دست های نویسندگان (١٥) .

كِرَامٍۭ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾
بزرگ منش نیکوکردار[1] (١٦) .

قُتِلَ ٱلْإِنسَٰنُ مَآ أَكْفَرَهُۥ ﴿١٧﴾
لعنت کرده شدآدمی را چقدر ناسپاس ست (١٧) .

مِنْ أَىِّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ ﴿١٨﴾
خداازچه چیز آفریدش (١٨).

مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ﴿١٩﴾
ازنطفهٔ منی آفریدش پس اندازهٔ معین کردش (١٩) .

ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ﴿٢٠﴾
بازراه برآمد آسان نمودش (٢٠) .

ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقْبَرَهُۥ ﴿٢١﴾
بازبمیراندش پس درگور کردش (٢١) .

ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾
بازوقتیکه خواست زنده ساختش (٢٢).

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَآ أَمَرَهُۥ ﴿٢٣﴾
نی نی، بعمل نیاورد آنچه فرمودش (٢٣) .

فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ ﴿٢٤﴾
پس باید که درنگرد آدمی بسوی طعام خود (٢٤) .

أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾
بسوی آنکه ماریختیم آب را ریختنی (٢٥) .

ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾
بازشگافتیم زمین را شگافتنی (٢٦) .

فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٧﴾
پس رویانیدیم درآن زمین دانه را (٢٧) .

وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾
وانگورو سبزی هارا (٢٨) .

(١) یعنی فرشتگان ازلوح نقل می کنند .

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾

وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴿٣٠﴾

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ﴿٣١﴾

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٢﴾

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ ﴿٣٣﴾

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ﴿٣٨﴾

ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ﴿٣٩﴾

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٤٠﴾

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾

سُورَةُ التَّكْوِيرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾

وزیتون راودرختان خرمارا (٢٩) .

وباغهارا که درختان بسیاردارد (٣٠) .

ومیوه و علف دواب را (٣١) .

برای منفعت شماوچهار پایان شما (٣٢).

پس وقتیکه بیاید آوازسخت (٣٣) .

روزیکه بگریزد مردازبرادر خود (٣٤) .

وازمادر خودوازپدرخود (٣٥) .

واززن خود و فرزندان خود (٣٦) .

هر مردی را ازایشان آن روز شغلیست که کفایت میکندش (٣٧) .

یکپاره چهره ها آن روز روشن باشد (٣٨) .

خندان وشادان باشد (٣٩) .

ویکپاره چهره ها آنروز برآن غبار باشد (٤٠) .

غالب آید بروی تاریکی (٤١) .

این جماعت ایشانند کافران بدکاران (٤٢) .

سوره تکویر مکی است وآن بیست ونه آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وقتیکه خورشید پیچیده شود (١) .

ووقتیکه ستارها تیره شوند (٢) .

ووقتیکه کوه ها روان کرده شوند (٣) .

ووقتیکه ماده شترانِ باردارارامعطل گذاشته شود (٤) .

ووقتیکه جانورانِ وحشی را جمع کرده